



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۷/۱۵

قیس کبیر

گفت و شنود با میرمن زهره یوسف در فیسبوک

میرمن زهره یوسف مینگارند:

«ملت ایکه ادعای تاریخ پنجهزار ساله را میکند در پایانترین نقطه تعبیض جنسیتی قرار گرفت، آیا اسلامی بودن افغانستان بر آنست تا در مکاتب به روی دختران جوان بسته و زنان از جامعه حذف شوند؟ مگر افغان ها در گذشته مسلمان نبودند؟ که امروز با حضور امارت اسلامی که آرزو داشتند تا حکومت اسلامی تر از گذشته داشته باشیم نیم نفوس جامعه از همه امتیازات محروم شدند، مگر مبارزه و جنگ برای همین بود؟ که با زنان ضدیت نمایند و زنان را از اجتماع به انزوا بکشانند؟ تا جلو تحریکات شهوانی عده گرفته شود مگر این مردان هر روز در خانواده های خود با دیدن زنان و دختران خانواده تحریک می شوند اگر قرار باشد که چنین است پس این مردان با تلفون های دستی و اینترنت چه کار خواهند کرد؟ و بنا این نوع اشخاص شدیداً به تداوی روحی ضرورت دارند از اینکه حکومت داری کنند، لطفاً از خواب سنگین بیدار شوید درین قرن بیست و یک تحت چتر اسلام خود ساخته و پرداخته دختران را از تحصیل محروم نکنید و زنان را که نیم نفوس جامعه را تشکیل می دهند از این بیشتر با خود دشمن نسازید چون آینده سیاسی نخواهید داشت و این عدالت اسلامی نیست که ۳۵ ملیون مردم افغانستان گروگان گرفته شوند و از فقر و گرسنگی جان دهند و دنیا این حکومت را به خاطر تعبیض جنسیتی به رسمیت نشناسد!»

جواب کوتاه اینجانب:

زهره جان، این گپ ها را معامله گران مانند ترمپ و خلیزاد، پاکستان همه می دانستند، تنها ستون پنجم در جمع آوری پول مصروف بودند. ملت بیچاره خو از توانایی تحلیلی برخوردار نبوده و نیست..

جواب میرمن زهره یوسف:

«آقای کبیر عزیز ملت هم مشکل خود را دارد متأسفانه در دهات و قصبات افغانستان ۸۰ فیصد مثل طالبان طرز تفکر شان است همین الان چند مرد افغان ایستاده شد تا در مکاتب باید باز شود از هزار ملا تنها دو نفر تاکید بر مکاتب دختران کردند از صد سال به این طرف تفکر عقب گرا در کشور حکمفرما بوده فقط عده محدود روشنفکر در جامعه به تعلیم و آزادی های اجتماعی زنان عقیده دارند حتی در همین جمهوری اسلامی سیاسیون جهادی اصلاً زن و دختر شان را به شمول آقای کرزی به جامعه معرفی نکردند اینکه به زنان نسبتاً موقف سیاسی و اجتماعی داده بودند انهم به خاطر امریکا و ناتو و پول شان بود در غیر ان همین کاسه همین اش بود، همان سردار داود خان شهید بود که در زمان صدارت خود با مشت آهنین کشور را اداره میکرد چادری را انتخابی

ساخت در غیر ان کدام تغییری در حالت زنان بوجود نمی امد طور تفکر مردم با صد سال پیش هیچ فرقی نکرده»

جواب مفصل اینجانب:

خانم ز. یوسف درست و بجا فرموده اید. اساس ذهنیت طالبان در واقعیت امر چنانکه فرموده اند در تمام مناطق غیر شهری و حتی شهری وجود دارد و تعداد اکثر نفوس بین ۷۰ تا ۸۰ فیصد مردم در اطراف یعنی خارج از شهر ها زندگی می کنند. ذهنیت طالبانی هر چند نام و اصطلاح جدید است ولی ذهنیت زن و تمدن سنتیزانه و ذهنیت مرد سالارانه افغانها مانند آفتاب روشن است. هرکس اساس این ذهنیت را از دید خود می بیند که منشاء آن کجاست و از کجا نشئت می کند. به نظر من اگر عمیق نگریسته شود ریشه این ذهنیت در مناسبات اقتصادی و تولیدی جامعه نهفته است. افغانستان به نسبت نبود وسعت مناسبات وسیع اقتصادی و نبود داد و ستد بین ولایات و ولسوالی ها و سرانجام بین شهر ها نه توانسته تا راه های مواصلاتی و شرائین اقتصادی باثبات و مطمئن و بازار لازم برای تولیدات و کالای شان ایجاد نماید. این درد و این کاستی از هزاران سال بدین سو همچنان برجا مانده است هر چند امریکا طی بیست سال اخیر سعی کرد که با ایجاد شاهراه ها و سرک ها این اتصال را بوجود بیاورد و به گسست هزاران سال میان شهر و ده دیگر پایان ببخشد ولی باز هم جنگ باعث شد تا این شرائین حیاتی پیوند نیابند.

اقتصاد و داد و ستد است که بر ذهنیت سازی کمک می کند. از جانب دیگر آنانیکه در شهر ها اند و در سیاست دخیل بودند و اند نوعی تنفر از مناسبات کهنه دارند و اینها جامعه را نه شناخته اند پس پناه به اندیشه های وارداتی می برند. نمونه بارز این اندیشه های وارداتی مارکسیسم و لیننیزم روسی و چینیایی و یا اخوانیت مصری و یا هم دیو بندی هندی بوسیله طالبان بوده است. هرکدام شان در دام شبکه های استخباراتی مانند رشته های کشنده اختاپوت گیر مانده اند و هیچ کس نسخه درمانگر درست که برخاسته از وجدان و تأریخ واقعی جامعه و برخاسته از خواست عموم جامعه باشند نمی پذیرد. افغانها هیچ گاهی گوش شنوا نداشته و ندارند آنها فقط پر حرفی دارند و بس. هر زمانی که افغانها هنر شنیدین دقیق را فهمیدند تا آنرا در آن دهن دقیقاً بکوبند و روی آن عمیقاً فکر کنند و کمتر حرف بزنند آنگاه شاید امیدی برای رهایی از مصایب کنونی پیدا شود. زن در جامعه افغانستان بدبخت ترین موجود است. در عصر کنونی در بین افغانها زن حتی موفق پایین تر از برده را دارد بخصوص در اطراف. و حال که طالب با این ذهنیت کور خود آمده حالت از بد بدتر شده است.

بناغلی مسعود فارانی مینویسند:

در سیاست اصطلاح شناخته شده داریم. آن اینکه: «کشور های عقب نگاه داشته شده» اصطلاح شناخته شده بود و استعمار هرچه کرد تا این اصطلاح را به نفع خود تصحیح کند به این شکل: «کشور های عقب مانده» مگر تلاش استعمار با تمام قدرت بی اثر ماند. خانم بزرگوار جناب زهرا یوسفی صاحبه از درد زیاد میفرماید که: «از صد سال به این طرف تفکر عقب گرا در کشور حکم فرما بوده»، بلی بکلی بجا میفرمایند اما باید دقت کرد که در جامعه چرا از صد سال به اینطرف بر مردم چنین تفکر عقب گرا (ارتجاعی) تحمیل و حکم فرما شده است؟ چراکه این معلول است علت را باید یافت. جنبش مشروطیت اول و جنبش مشروطیت دوم را فراموش نکنیم که از جانب تمام اصناف مردم افغانستان مورد تأیید و پشتیبانی قرار گرفت. چرا این جنبش ها بوسیله گماشتگان استعمار محکوم شد و چرا آفتاب ترقی و تعالی را با ابر سیاه استعمار ساخته تاریک ساختند و چرا

اندیشه پیشرو اسلام را که بوسیله مرد بزرگ سید جمال الدین افغانی در منطقه استعمار را به هراس انداخته بود بوسیله ابزار سادات حضرات نقیب ها و بچه سقو خادم دین رسول الله ؟؟؟؟ و خانواده نادر خان نابود شد . و این شیوه استعماری متأسفانه برای عقب نگاه داشت جامعه ما در حال تکرار است تا جامعه در ظلمت عمیق قرار داشته باشد و روی ترقی را نبیند . ازینرو استعمار بوسیله دو کشور خود ساخته (ایران و پاکستان که مؤظف اند) تا جنبش های مترقی و پیشرو را خنثی سازند . روبه عقب نگاه داشت اند . بد بختانه بجای مردم (اکثریت خاموش جامعه) روشنفکران ما در محاسبه معلول را بجای علت برجسته میکنند اینست درد بزرگ ملت ما